



Imam Sadiq Research Institute

for Islamic Sciences

Research Institute for Political
and Defence Studies

P. ISSN: 2345-5705 & E. ISSN: 2717-3720

Website: <http://ipr.isri.ac.ir>

Volume: 12 ; Number: 26



The role of modern diplomacy in the hybrid war of the United States of America against the I.R.Iran (2015–2023)

Mojtaba Chenari*, Hossein Karimifard**,
Fereydoun akbarzadeh***, Shahram Fattahi****

Doi: <https://doi.org/10.22034/IRP.2024.459471.2134>

Received: 2024/5/25 - Accepted: 2024/9/24

(36-62)

Abstract

Hybrid warfare is an important phenomenon in international relations, involving a combination of hard, semi-hard, and soft tools to achieve strategic goals. In this context, modern diplomacy plays a fundamental and complex role. Given the importance of Iran's position in the region, understanding the effects and functions of modern diplomacy in the context of hybrid warfare seems essential for analyzing US policies.

Therefore, the main question of this research is how modern diplomacy is used as a tool to combine hard and soft power in the US hybrid war against Iran (2015-2023) and what are its effects? The research method is descriptive-explanatory and the findings show that the US uses tools such as public diplomacy through institutions such as NAAC and the Advisory Council, second-track diplomacy with three approaches of compromise, deterrence, and war, military diplomacy, coercive diplomacy, and cyber diplomacy through platforms such as Twitter and Instagram.

Keywords: Iran, America, hybrid war, diplomacy, modern diplomacy.

*. PhD student in International Relations, Department of Political Science, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran. dr.m.ch.91@gmail.com.

** . Associate Professor, Department of Political Science, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran. (Corresponding author) hkarimifard@yahoo.com.

***. Assistant Professor, Department of Political Science, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran. drferedoun.akbarzadeh@gmail.com.

****. Assistant Professor, Department of Political Science, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran. fattahi1352@gmail.com.



پژوهشگاه علوم اسلام صادق
پژوهشگاه علوم اسلام صادق
پژوهشگاه علوم اسلام صادق
پژوهشگاه علوم اسلام صادق
پژوهشگاه علوم اسلام صادق
پژوهشگاه علوم اسلام صادق
پژوهشگاه علوم اسلام صادق
پژوهشگاه علوم اسلام صادق
پژوهشگاه علوم اسلام صادق
پژوهشگاه علوم اسلام صادق

نقش دیپلماسی نوین در جنگ هیبریدی ایالات متحده امریکا علیه جمهوری اسلامی ایران (۲۰۱۵-۲۰۲۳)

مجتبی چناری*، حسین کریمی فرد**، فریدون اکبرزاده***، شهرام فتاحی****

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22034/IRP.2024.459471.2134

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۳/۵ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۷/۳
(۳۶-۶۲)

چکیده

جنگ هیبریدی یکی از پدیده‌های مهم در روابط بین‌الملل، شامل ترکیبی از ابزارهای سخت، نیمه سخت و نرم برای دستیابی به اهداف راهبردی است. در این چارچوب، دیپلماسی نوین، نقشی اساسی و پیچیده ایفا می‌کند. با توجه به اهمیت جایگاه ایران در منطقه، فهم تأثیرات و کارکردهای دیپلماسی نوین در چارچوب جنگ هیبریدی برای تحلیل سیاست‌های امریکا ضروری به نظر می‌رسد. بنابراین پرسش اصلی این پژوهش این است که دیپلماسی نوین چگونه به عنوان ابزاری برای ترکیب قدرت سخت و نرم در جنگ هیبریدی امریکا علیه ایران (۲۰۱۵-۲۰۲۳) استفاده می‌شود و اثرات آن چیست؟ روش تحقیق توصیفی-تبیینی بوده و یافته‌ها نشان می‌دهد امریکا از ابزارهایی همچون دیپلماسی عمومی از طریق نهادهایی مانند نایک و شورای مشورتی، دیپلماسی مسیر دوم با سه رویکرد سازش، بازدارندگی و جنگ، دیپلماسی نظامی، دیپلماسی اجبار و دیپلماسی سایبری از طریق پلتفرم‌هایی مانند توییتر و اینستاگرام بهره می‌برد.

واژگان کلیدی: ایران، امریکا، جنگ هیبریدی، دیپلماسی، دیپلماسی نوین.

- * دانشجوی دکتری رشته روابط بین الملل، گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران. dr.m.ch.91@gmail.com
- ** دانشیار گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران. (نویسنده مسئول). hkarimifard@yahoo.com
- *** استادیار گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران. drferedoun.akbarzadeh@gmail.com
- **** استادیار گروه علوم سیاسی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران. fattahi1352@gmail.com

۱. بیان مسئله

ایالات متحده آمریکا پس از جنگ جهانی دوم همواره به دنبال گسترش هژمونی خود بر جهان، از جمله ایران، بوده است. نفوذ آمریکا در ایران با کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ آغاز شد و در دهه ۱۳۵۰ به اوج خود رسید. با پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، آمریکا نفوذ خود را از دست داد و رویه‌های جدیدی میان دو کشور شکل گرفت. آمریکا برای تغییر رفتار یا حکومت ایران، راهبردهای متعددی را به کار گرفت که یکی از مهم‌ترین آن‌ها جنگ هیبریدی (ترکیبی) است.

جنگ هیبریدی - مفهومی جدید در ادبیات سیاسی - از دو منظر اهمیت دارد: نخست، ورود به این جنگ در لایه‌های متنوع و هم‌زمان ناشی از محدودیت‌های راهبردی در کارکرد گزینه‌های محدود جنگ است. به کارگیرنده این نوع جنگ ناچار است برای بهبود وضعیت، از تمامی ابزارهای موجود بهره‌مند شود؛ دوم، اجرای این قابلیت‌ها موجب افزایش توانمندی‌های جنگی نزد حریف و شکل‌دهی به سطح جدیدی از مواجهه می‌شود.

جنگ‌های کلاسیک نظامی به تدریج به عرصه‌های اقتصادی، تبلیغاتی، سیاسی و دیپلماتیک، رسانه‌ای، عملیات روانی، سایبری، جنگ اطلاعاتی و نامتقارن و روش‌های نوین تکیه کرده‌اند. امروزه شاهد کارکرد وسیع جنگ هیبریدی هستیم که بنا به شرایط، یکی از ابعاد جنگی در اولویت قرار می‌گیرد. شواهد نشان می‌دهد جنگ‌های بزرگ و مستقیم میان قدرت‌ها کمتر توجه‌پذیر است و تکیه اصلی بر جنگ ترکیبی است. در راهبرد کلان آمریکا در دهه‌های اخیر، ناتوان‌سازی، فقیرسازی و فرسایش قدرت اقتصادی کشورهای مخالف، به همراه فشار و ضربات اطلاعاتی و امنیتی و محدودیت‌های نظامی بوده است. این راهبرد باهدف حفظ برتری قدرت آمریکا و درگیری‌های محدود و تحریک‌کننده، تکیه بر مناسبات با کشورهای عربی خلیج فارس، جنگ سایبری، روانی و اطلاعاتی، تحریم و فشار اقتصادی، در اولویت قرار گرفته است.

آمریکا برای افزایش مانور عملیاتی، مرزهای امنیتی خود را با گسترش روابط با کشورهای پیرامونی ایران توسعه داده که حاصل سه دهه تلاش پنهان و آشکار اطلاعاتی و دیپلماتیک

است. این مرزهای امنیتی جدید، مزیت‌هایی چون دسترسی دریایی، هوایی، نزدیکی جغرافیایی و بهره‌مندی از حضور در این کشورها برای اقدامات مختلف فراهم کرده است. نماد این راهبرد را می‌توان در اقدامات تروریستی و تخریب‌های هوشمند در داخل ایران، جنگ کشتی‌ها و نفت‌کش‌ها، اخلال الکترونیکی، حملات سایبری و محدود کردن مرزهای امنیتی ایران مشاهده کرد. در جنگ هیبریدی، از ابزارهای مختلفی مانند دیپلماسی استفاده می‌شود که می‌تواند به‌تنهایی یک کشور را ضعیف کند. امریکا با ترکیب دیپلماسی و سایر ابزارهای جنگ ترکیبی، به دنبال تغییر حکومت یا رفتار ایران است. با استفاده از روش‌های مدرن دیپلماسی، تلاش می‌کند تا عقاید مردم و محاسبات دولتمردان ایران را تغییر دهد. این پژوهش به بررسی این پرسش می‌پردازد که دیپلماسی نوین چگونه به‌عنوان ابزاری برای ترکیب قدرت سخت و نرم در جنگ هیبریدی امریکا علیه ایران (۲۰۱۵-۲۰۲۳) استفاده می‌شود و اثرات آن چیست؟ فرضیه این است که دیپلماسی نوین، به‌عنوان یکی از ابزارهای اصلی جنگ هیبریدی امریکا، نقش مهمی در تحقق اهداف راهبردی ایالات متحده دارد و با استفاده از روش‌های مختلف، بر افکار عمومی، دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی تأثیر می‌گذارد.

هدف این پژوهش، تحلیل و تبیین نقش دیپلماسی نوین در جنگ هیبریدی امریکا علیه ایران با تمرکز بر ابزارهای مؤثری همچون دیپلماسی عمومی، اجبار، سایبری، رسانه‌ای و مسیر دوم و ارزیابی تأثیرات این رویکردها بر رفتار سیاسی و راهبردهای ایران است. همچنین، این پژوهش به توسعه چارچوب نظری موجود در مطالعات جنگ هیبریدی و ارائه تحلیل‌های جدید درباره استفاده هم‌زمان از قدرت نرم و سخت در جنگ‌های مدرن کمک می‌کند؛ درنهایت به گسترش دانش علمی در زمینه روابط بین‌الملل، دیپلماسی مدرن و فهم بهتر از نقش دیپلماسی نوین در پدیده‌های امنیتی و سیاسی معاصر می‌پردازد.

پژوهش حاضر از حیث نوع، کاربردی است، از آن جهت که به دنبال پردازش نقش یکی از مؤلفه‌های جنگ هیبریدی ایالات متحده امریکا علیه جمهوری اسلامی ایران است. در این پژوهش برای گردآوری داده‌ها از روش کتابخانه‌ای، اسنادی (کتب و مقالات) و منابع اینترنتی استفاده شده و با مراجعه به منابع مرتبط در این زمینه به دنبال این بوده که ابعاد

مختلف و مصداقی موضوع را شناسایی و مورد تحلیل و بررسی قرار دهد. از روش کیفی با رویکرد توصیفی - تبیینی برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شده است.

۲. پیشینه پژوهش

ایالات متحده آمریکا همواره در پی آن بوده که تغییر در رفتار و یا حکومت ایران ایجاد کند. محقق با مراجعه به مراکز دانشگاهی و پژوهشی مختلف اثری که به صورت مجزا به بررسی موضوع پژوهش پرداخته باشد نیافت؛ اما کتب و مقالاتی انتشار یافته است که به طور غیرمستقیم موضوع این تحقیق را مورد کنکاش قرار داده‌اند.

- یزدان فام در کتاب «دیپلماسی عمومی» (۱۳۹۹) توضیحات مفصلی در خصوص دیپلماسی عمومی که شاخه‌ای از دیپلماسی نوین است را ارائه می‌دهد.
- نفیو در کتاب «هنر تحریم‌ها» (۲۰۱۸) به تأثیری که تحریم‌ها بر ایران داشته و چگونگی اجرای آن می‌پردازد. این کتاب به مطالب مهمی در خصوص دیپلماسی آمریکا در قبال ایران در بازه زمانی منتهی به ۲۰۱۸ اشاره می‌کند.

- محمدجواد رنجکش در مقاله «چیستی و چگونگی ویژگی‌های دیپلماسی عمومی آمریکا در قبال ایران» (۱۴۰۰) به بررسی نقش دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی آمریکا در راستای تغییر در ایران می‌پردازد.

- مهدی علیخانی در مقاله «بررسی راهبرد فشار حداکثری ترامپ بر ایران از منظر قدرت اجبار» (۱۳۹۹) قدرت اجبار سیاست خارجی آمریکا را در قبال ایران مورد بررسی قرار می‌دهد.

- Smith در کتاب «Hybrid Warfare: Challenges and Strategies» (۲۰۱۸) به تحلیل مفاهیم و تکنیک‌های جنگ هیبریدی، از جمله دیپلماسی نوین، پرداخته و نقش این نوع جنگ در محیط بین‌المللی را بررسی کرده است.

- White در مقاله «Strategic Combinations: U.S. Hybrid Warfare Tactics against Iran»، (۲۰۱۹) به تحلیل استراتژی‌های ترکیبی آمریکا در جنگ هیبریدی علیه ایران و تأثیرات این جنگ بر امنیت و ثبات خاورمیانه پرداخته است.

- ابوذر عمرانی در مقاله «تأثیرات سیاسی و رسانه‌ای دیپلماسی سایبری در امریکا» (۱۴۰۰) به نقش و تأثیری که رسانه‌های امریکا در راستای دیپلماسی نوین دارند اشاره می‌کند؛ اما به سایر موضوعات مورد بحث یعنی جنگ ترکیبی و سایر مؤلفه‌های دیپلماسی نوین نمی‌پردازد.

۳. مبانی نظری

۳-۱. جنگ هیبریدی

جنگ را بر اساس تعریفی که کوئینی ارائه کرده «سازمان دادن و به‌کارگیری نیروهای مسلح برای انجام مقصود است» (شیرودی، ۱۳۸۴). با حرکت کشورهای مختلف به سمت جنگ ترکیبی، گویی این تعریف دستخوش تغییر شده است. در جنگ ترکیبی، اقدامات مسلحانه، خشونت شدید و تلفات جانی هدف اصلی نیست؛ بلکه مؤلفه‌های متعددی عمل خواهند کرد.

آنچه مسلم است به علت پیچیدگی و تنوع ابزارها، کنش‌ها و واکنش‌ها در جنگ هیبریدی، تعریف واحدی از آن موجود نیست. هرگاه ترکیبی از مؤلفه‌های ذیل مورد استفاده قرار گیرد، جنگ هیبریدی در جریان است. ترکیبی از عملیات نظامی، دیپلماتیک، سایبری و اطلاعاتی تشکیل‌دهنده جنگ هیبریدی است. جنگ‌های پیچیده پر ابهام، پر ابزار و متنوع از ویژگی‌های جنگ هیبریدی است.

آنچه مدل هیبریدی تنش را از سایر مدل‌ها مجزا می‌کند، شیوه‌ای است که از طریق آن خطوط بین جنگ و صلح را مبهم می‌کند. تاکنون تعریف روشنی از جنگ‌های هیبریدی بیان نشده است؛ چراکه حدود مشخصی برای آن مشخص نیست.

تا قبل از پایان جنگ سرد مثلث سنتی جنگ یعنی حکومت، قدرت نظامی و مردم مطرح بود؛ اما در جنگ هیبریدی از ابزارهایی همچون جنگ دیپلماتیک، نیروهای ویژه، نیروهای نامنظم و چریکی، جنگ‌های کلاسیک نظامی، جنگ اطلاعاتی و تبلیغاتی، حمله سایبری، جنگ اقتصادی و حمایت از آشوب‌های داخلی استفاده می‌گردد.



جنگ هیبریدی به دنبال تغییر تعریف جنگ‌های مستقیم نیست بلکه ترکیبی از انواع جنگ‌ها را در کنار هم می‌بیند و جنگ‌های مستقیم جزئی از آن است.

از تفاوت‌های جنگ هیبریدی با جنگ‌های کلاسیک، نوع و شدت تلفات است. در جنگ‌های مستقیم تلفات جانی بسیار متداول است؛ اما در جنگ‌های ترکیبی با حمله سایبری یکی از نهادهای کشور هدف مورد حمله قرار می‌گیرد. در جنگ‌های اقتصادی فقر، تورم، بیکاری و رکود در جامعه هدف فراگیر می‌شود. در جنگ‌های پروپاگاندا (تبلیغاتی) فرهنگ یک کشور مورد حمله قرار می‌گیرد. جنس تلفات متفاوت شده و میزان تلفات به شدت کاهش یافته است.

یکی از مهم‌ترین ابزارهایی که -به‌عنوان ابزاری نرم- در کنار سایر ابزارهای سخت و نیمه‌سخت، برای تأثیرگذاری بر افکار عمومی، تغییر رفتار دولت‌ها و تقویت مواضع سیاسی به کار گرفته می‌شود، دیپلماسی نوین است که تلاش می‌کند سیاست‌ها و اقدامات کشور هدف را به نفع خود تغییر دهد. این رویکرد دیپلماتیک از طریق تعامل با بازیگران غیردولتی، جامعه مدنی و مخاطبان بین‌المللی، مشروعیت و اعتبار دولت هدف را تضعیف می‌کند و به دنبال ایجاد شکاف‌های داخلی و افزایش نارضایتی‌های اجتماعی است؛ بدین ترتیب، دیپلماسی نوین در جنگ هیبریدی، ترکیبی از قدرت نرم و نیمه‌سخت است که در راستای تغییر رفتار و تضعیف اراده سیاسی کشور هدف به کار گرفته می‌شود.

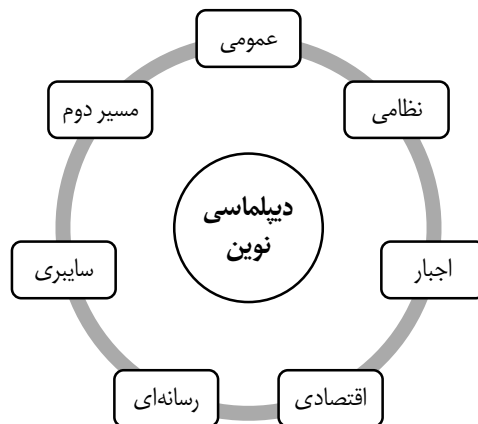
۳-۲. دیپلماسی نوین

«انقلاب بزرگ عصر اطلاعات باید در قلمرو دیپلماسی رخ می‌داد. ایالات متحده آمریکا از دهه ۱۹۶۰ به بعد یک انقلاب در امور تجاری و در اواخر دهه ۱۹۸۰ یک انقلاب در امور نظامی (RMA) را تجربه کرده است. اینک موعد انقلاب در امور دیپلماتیک (RDA) فرا رسیده

است» (Arquilla&Ronfeldt, 2009: 352). این رهنمود به‌روشنی از وقوع تحولات شگرف در عرصه دیپلماسی متعاقب تغییر سیمای جهان طی دهه‌های اخیر حکایت دارد. دگرگونی‌های نظام جهانی در عصر پساوستفالیایا موجب شده تا دیپلماسی سنتی به‌عنوان ابزار تعامل دولت‌ها با محیط بیرون از قلمروشان دیگر به‌تنهایی برای تدبیر امور در شبکه پیچیده و درهم‌تنیده‌ای از روابط و کنش‌های چندوجهی میان کنشگران دولتی و غیردولتی کافی نباشد و بازنگری در آن و تقویتش با نسخه‌ای نوین از رویه‌های دیپلماتیک اجتناب‌ناپذیر گردد.

پس از بازنگری در معنای پیشین دیپلماسی به‌نحوی که سازگار با اقتضائات محیط جهانی باشد می‌توان گفت: «دیپلماسی عبارت است از فن مدیریت روابط کشورها با یکدیگر و میان کشورها با دیگر بازیگران بین‌المللی که شامل گروه‌ها، سازمان‌ها و افرادی است که در کنار دولت‌ها دیپلماسی را به‌عنوان نظامی اطلاعاتی برای بیان و دفاع از منافع، اعلان تهدیدها و اولتیماتوم‌ها به کار می‌برند» (آشنا، جعفری، ۱۳۸۶: ۱۸۱).

ظهور دیپلماسی نوین را می‌توان پاسخی به پیچیده شدن روزافزون محیط جهانی و خروج آن از دوران نظم دولت‌محور دانست؛ به‌بیان دیگر «دیپلماسی نوین، پدیده‌ای در بستر جامعه مدنی جهانی است که در آن فناوری نوین اطلاعاتی و ارتباطاتی، سازمان‌های جدید دولتی و غیردولتی، مردم، انجمن‌های تخصصی و نظایر آن خواستار نقش‌آفرینی بیشتر در مسائل جهانی هستند» (سیمبر و قربانی، ۱۳۸۸: ۴۴). دیپلماسی نوین می‌تواند انواع گوناگونی داشته باشد که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: عمومی، نظامی، اجبار، اقتصادی، رسانه‌ای، سایبری و مسیر دوم.



دیپلماسی نوین را در قیاس با دیپلماسی سنتی بهتر می‌توان شناخت. یکی از مهم‌ترین خصائص دیپلماسی نوین شفافیت آن نسبت به دیپلماسی سنتی پنهان و رازآلود است. در عصر ارتباطات و اطلاعات که مجاری فراوانی برای اطلاع‌رسانی همگانی وجود دارد، سیاسیون و دولت‌مردان هیچ گریزگاهی برای مصون ماندن از هجوم بی‌امان رسانه‌ها ندارند، دیگر نمی‌توان مذاکرات دیپلماتیک را پشت درهای بسته انجام داد و از درز نکردن محتوای گفتگوها به آن‌سوی دیوارها آسوده‌خاطر بود. اگر تا چندی پیش موضوعات محدود سیاسی، نظامی و امنیتی بخش اعظم محتوای مذاکرات دیپلماتیک را به خود اختصاص می‌داد، در عصر کنونی انبوهی از موضوعات متنوع مربوط به حوزه‌های گوناگون مانند حقوق بشر، فقر و بیکاری، محیط‌زیست، مشکلات آوارگان، تروریسم، قاچاق مواد مخدر، ایدز و نظایر این‌ها جای خود را در دستور کار عالی‌ترین سطوح دیپلماسی جهانی باز کرده‌اند. این تنوع دستور کار و تعدد کنشگران دخیل سبب گردیده است که دیپلماسی از قلمرو اختصاصی دولت‌ها خارج شده و به نحو فزاینده‌ای با عموم موجودیت‌های جامعه جهانی ارتباط یابد. دیپلمات‌ها علاوه بر تنظیم روابط فی‌مابین دولت‌ها، در پی ساماندهی روابط دولت‌ها با سایر کنشگران حاضر در صحنه نیز باشند (گنجی‌دوست، ۱۳۸۷: ۲۰۴-۲۰۷). دیپلماسی در جنگ ترکیبی می‌تواند در اجماع‌سازی بین بازیگران متفاوت بر سر موضوع جنگ و همچنین مشروع‌سازی اقدام علیه بازیگر هدف نقش مهمی را ایفا کند. دیپلماسی همواره به‌عنوان ابزاری برای شرطی کردن طرف مقابل، قابلیت استفاده دارد و به‌مثابه جنگ و ادامه آن خواهد بود.

۴. واکاوی مصداقی نقش دیپلماسی نوین در جنگ هیبریدی علیه ایران

از زمان پیروزی انقلاب اسلامی ایران، امریکا در تلاش است تا جامعه جهانی را علیه جمهوری اسلامی ایران متحد کند؛ از فراخوانی سفرها به کشورهای مبدأ، قطعنامه‌های فلج‌کننده شورای امنیت، عدم اجازه حضور ایران در مجامع دیپلماتیک تا فشارهای مختلفی که در راستای اجرای تهدید و تحریم علیه ایران استفاده شده است. یکی از این موارد به بهانه پیشرفت‌های هسته‌ای ایران بود که منجر به امضای برجام شد؛ قراردادی که خود به‌مثابه اهرم

فشار قوی‌تری علیه ایران استفاده شد و باعث شرطی شدن جامعه، مسئولان و پیشرفت جنگ هیبریدی گردید (موسویان، ۱۳۹۴: ۴۵۷).

نفیو در کتاب خود، با تشریح روند امضای برجام، به موضوع جنگ ترکیبی امریکا علیه ایران اشاره می‌کند و می‌گوید: «تحریم‌ها وقتی مؤثر واقع شدند که مجموعه‌ای از عوامل مختلف در هماهنگی با همدیگر به صورت مناسب کار می‌کردند» (نفیو، ۱۳۹۷: ۱۱). در جای دیگر ابراز می‌کند: «این نه به من و یا حتی افرادی که در ژنو جمع شده بودند تعلق دارد، بلکه این ناشی از همکاری میان افسران اطلاعاتی، نظامیان، کارشناسان غیرنظامی، اتاق فکر تحریم، کارکنان کنگره و دیپلمات‌ها بود که در راستای رسیدن به یک هدف مشترک تلاش کرده بودند» (همان: ۸).

دونالد ترامپ، در ۸ می ۲۰۱۸ (۲۲ اردیبهشت ۱۳۹۷) در بیانیه‌ای رسمی خروج ایالات متحده از توافق هسته‌ای با ایران را اعلام کرد. وی اتهامات به ایران در مناظرات انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۶ را تکرار کرد و برجام را فاجعه‌بارترین توافق امریکا معرفی کرد و تحریم‌های هسته‌ای علیه جمهوری اسلامی ایران را بازگرداند. از جمله مؤلفه‌هایی که با شدت بیشتری مورد استفاده قرار گرفت تا تأثیرات این فشارها را بیشتر کند، دیپلماسی نوین است.

دیپلماسی عمومی، یکی از ابزارهای مهم دیپلماسی نوین، به‌عنوان یک استراتژی نرم در روابط بین‌الملل، بر افکار عمومی تأثیر مستقیم و بر جامعه مدنی کشورهای هدف تمرکز دارد. برخلاف دیپلماسی سنتی که عموماً بر ارتباطات رسمی و دولتی متمرکز است. این نوع دیپلماسی به‌عنوان بخشی از رویکردهای جامع‌تری مورد استفاده قرار می‌گیرد که در کنار سایر روش‌های دیپلماتیک، مانند دیپلماسی سایبری، رسانه‌ای، نظامی، اجبار، اقتصادی و مسیر دوم به دنبال دستیابی به اهداف راهبردی است.

۴-۱. دیپلماسی عمومی

دیپلماسی عمومی اغلب به شیوه‌ای متفاوت و توسط سازمان‌های غیردولتی با حمایت دولت انجام می‌گیرد (Murrow, 1963: 1). دیپلماسی عمومی در پی تقویت منافع ملی از طریق

فهم، شکل دادن و نفوذ در مخاطبان خارجی است (آشنا، ۱۳۸۶: ۱۸۳). دیپلماسی عمومی موفق، دارای اصول و الزاماتی است؛ از جمله مردمی بودن البته با وجود هم‌پوشانی‌هایی که با تبلیغات دارد، فراتر از آن‌هاست. هدف دیپلماسی عمومی ارائه تصویر خوب از کشور مبدأ به مخاطبین خارجی است.

امریکا برای نیل به اهداف خود و تأثیرگذاری بر جامعه هدف (از جمله ایران) اقدام به تأسیس مؤسسات، شوراها و اندیشکده‌هایی کرد و بدون دخالت مستقیم به اجرای دیپلماسی عمومی پرداخت.

۴-۱-۱. بازیگران غیردولتی دیپلماسی عمومی امریکا

الف- شورای ملی ایرانیان (نایاک)، سه دهه قبل برای مشارکت حداکثری ایرانیان ساکن امریکا در تقابل با جمهوری اسلامی تأسیس شد. این شورا تلاش می‌کند پیوند ایرانیان را با نهادهای ایرانی و غیر ایرانی، در راستای مشارکت در موضوعات مدنی امریکا تسهیل کند (عبدالله‌خانی و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۸۰).

ب- شورای مشورتی دیپلماسی عمومی، هدف اصلی دیپلماسی عمومی را ترویج سیاست‌ها می‌داند و آن را این‌گونه تعریف می‌کند: «فرآیند تعامل، اطلاع‌رسانی و تأثیرگذاری بر جامعه هدف، به‌نحوی که مردم آن کشور، حکومت خود را ترغیب کنند تا سیاست‌های مدنظر ایالات متحده را به اجرا درآورند» (رنجکش، ۱۴۰۰: ۱۴۶).

پ- بنیاد ملی برای دموکراسی، در سال ۱۹۸۳ با شعار «آنچه برای امریکا خوب است برای جهانیان نیز خوب است» تأسیس شد. هدف این سازمان اشاعه مردم‌سالاری (حکومت مدنظر) ایالات متحده با دادن کمک‌های مالی به گروه‌ها و جریان‌های مخالف نظام‌های کشورهای دیگر است (عبدالله‌خانی و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۰۱)؛ به عبارت دیگر این بنیاد بزرگ‌ترین تأمین‌کننده مالی مخالفان کشورهای مدنظر امریکا است که ایجاد سازمان‌های همسو با غرب، حمایت از آن‌ها و تأمین منافع امریکا از کارویژه‌های آن است.

ت- کمیته امریکاییان-ایرانیان پیشرو، برگزاری دوره‌های آموزشی برای افراد و سازمان‌های مخالف جمهوری اسلامی را بر عهده دارد. در سال ۲۰۰۲ برای برگزاری یک

دوره دوروزه ۲۵ هزار دلار پرداخته‌اند؛ همچنین برای راه‌اندازی یک سایت فارسی در سال ۲۰۰۵ مبلغی بالغ بر ۶۴ هزار دلار از دولت امریکا دریافت کرده‌است؛ ازسوی دیگر از نایاک ۷۱ هزار دلار در راستای تقویت همان وب‌سایت فارسی بودجه گرفته است (همان: ۴۹۰).

ث- کمیته منونایت مرکزی، یک سازمان غیرانتفاعی توسعه مبتنی بر دین است که در سال ۱۹۹۰ پس از زمین لرزه منجیل به ایران آمد. در پی این تردد، برنامه تبادل دانشجو پیشنهاد داده شد و قرار بر این شد تا در راستای آشنایی بیشتر با ادیان و آموزش‌های تخصصی مراکزی را اختصاص دهند؛ تورنتو کانادا و موسسه تحقیقات و پژوهش‌های امام خمینی علیه السلام دانشگاه‌های میزبان انتخاب شدند (رنجکش، ۱۴۰۰: ۱۴۶). این برنامه مبادله در سال ۱۹۹۸ آغاز شد و گروه‌هایی را به ایران برای مسافرت تبلیغاتی اعزام کرد.

۴-۱-۲. اقدامات دیپلماسی عمومی ایالات متحده

الف- تصویرسازی: شعار معروف هارولد پاچیوس، رئیس شورای مشورتی دیپلماسی عمومی ایالات متحده «اگر مخاطبان خارج امریکا، آن را بهتر بشناسند عاشق و شیفته آن می‌شوند» به شعار اصلی و محور در دیپلماسی عمومی امریکا تبدیل گردیده است (Ross, 7: 2002). با استفاده از این تصویرسازی کشور امریکا و روش حکومت و زندگی در آن را به بهترین شکل در دنیا معرفی می‌کنند.

ب- تبلیغات سیاسی: این روش دیپلماسی عمومی اصولاً صادقانه نیست و به حقیقت تعهدی ندارد و بر اساس آن کشور یا سازمان استفاده‌کننده از آن هرگونه استفاده از دروغ، تبلیغات سیاه و پنهان‌کاری درباره منبع پیام‌ها (تبلیغات خاکستری) را مجاز می‌شمارد. در مواقعی هم از واقعیات (تبلیغات سفید) به صورت گزینشی استفاده می‌کند (Ellul, 1965: 78). از جمله دروغ‌هایی که سال گذشته مطرح شد، فوت رهبر معظم انقلاب اسلامی است که هر ساله آن را مطرح می‌کنند. اصولاً خبرهایی با منبع نامشخص پخش می‌کنند.

پ- جنگ روانی: جنگ روانی در طی سال‌های گذشته ابزار اصلی دیپلماسی عمومی در قبال ایران در راستای تغییر رفتار این کشور تلقی شده است (آهنگری، ۱۳۹۰: ۵۴).

امریکا به وسیله جنگ روانی علیه ایران به دنبال القای تهدید بودن آن در سطح منطقه و جهان است و از سوی دیگر در راستای تغییر عقاید و دیدگاه آحاد مردم ایران از آن بهره می‌برد (Izadi, 2011: 12). در سال‌های اخیر ایالات متحده در راستای جنگ روانی علیه ایران بودجه سالانه حدود یک میلیارد دلاری اختصاص داده است. جنگ روانی امریکا با روش مدیریت ادراک و به‌کارگیری فشارهای روانی-تبلیغی به دنبال براندازی نرم حکومت اسلامی ایران است (سلیمانی، ۱۳۸۹: ۴). تاکنون بیش از ۱۷۰ روش عملیات روانی ارائه شده است و رسانه‌های امریکایی به‌صورت گسترده از اکثر این روش‌ها علیه جمهوری اسلامی به شکل کاملاً زیرکانه‌ای بهره‌برداری می‌کنند.

۴-۲. دیپلماسی مسیر دوم

در دیپلماسی نوین، دیپلماسی مسیر دوم به‌عنوان ابزاری مؤثر برای تقویت یا جبران دیپلماسی رسمی عمل می‌کند؛ به‌ویژه در شرایطی که روابط رسمی بین دولت‌ها متشنج یا قطع شده باشد. این نوع دیپلماسی امکان ایجاد فضای گفت‌وگوی غیر رسمی و کاهش سوءتفاهم‌ها را فراهم می‌آورد و می‌تواند به‌عنوان یک روش مؤثر برای تسهیل درک مشترک، کاهش تنش‌ها و حتی زمینه‌سازی برای مذاکرات رسمی و دیپلماتیک به کار گرفته شود. در جنگ هیبریدی، دیپلماسی مسیر دوم به امریکا و سایر بازیگران این امکان را می‌دهد تا از راه‌های غیرمستقیم و انعطاف‌پذیر، اهداف راهبردی خود را دنبال کنند و بدون ورود به مراحل رسمی و پرتنش دیپلماسی، تأثیرگذاری بیشتری بر سیاست‌ها و رفتارهای کشورهای هدف، مانند ایران، داشته باشند.

دیپلماسی مسیر دوم را نخستین بار جوزف مونتویل دیپلمات امریکایی در اوایل سال ۱۹۸۱ بدین صورت تعریف کرد: «تعاملات غیررسمی بین اعضای گروه‌های متخاصم و یا ملی جهت حل منازعات با هدف ایجاد استراتژی، تأثیر بر افکار عمومی و سازمان‌دهی منابع انسانی و مادی به روش‌هایی که می‌تواند در حل اختلاف کمک کند» (Fraser, 2002: 9).

مسئله جمهوری اسلامی از سه جهت در سیاست‌گذاری خارجی و امنیتی ایالات متحده اهمیت دارد؛ اول اینکه ایران دارای موقعیت ژئوپلیتیکی مناسبی است، دوم انقلاب اسلامی

ایران به دنبال مقابله با تفکر سلطه‌جویی غرب است و سوم اینکه گروه‌های صهیونیستی، در تصمیمات سیاسی ایالات متحده تأثیرات فراوانی دارند.

افرادی مانند ران پل و هیلاری کلینتون در رویکرد خود (رویکرد اول) معتقدند که دولت امریکا نمی‌تواند نقش جمهوری اسلامی را در شرایط فعلی و آینده خاورمیانه نادیده بگیرد؛ پس برای رسیدن به منافع حداکثری باید از گزینه همکاری استفاده شود. گروه دوم که تحت تأثیر جریان لاپید هستند، اجرای اقداماتی همانند فرسایش قدرت، تحریم‌های فلج‌کننده، حمله نظامی و تغییر رژیم را دنبال می‌کنند (کریمی فرد و همکاران، ۱۳۹۵: ۶۸-۶۹). این اظهارنظرها در کنار دولت حرکت می‌کنند و باعث پیشرفت مذاکرات و اعلام سیاست‌های ایالات متحده می‌شوند.

۴-۲-۱. رویکرد اول: همکاری دوجانبه

این رویکرد را اروپاییان و برخی دولتمردان امریکا دنبال می‌کنند و معتقدند که همکاری نباید یک‌طرفه باشد که اگر ایرانیان خواهان سود بردن از روابط جدید هستند باید رفتارشان را تغییر دهند (مرکز نیکسون، ۱۳۸۳: ۱۱-۱۲). به اعتقاد این افراد تغییر در سیاست‌های ایران زمانی حاصل خواهد شد که روابط دوجانبه بر مبنای منافع مشترک و نه نقاط تضاد استوار شده باشد.

اتاق‌های فکر امریکا در قالب مذاکرات غیرمستقیم با سیاسیون ایران، مصاحبه تلویزیونی و سخنرانی آکادمیک بسته پیشنهادی برای حل و فصل تنش‌ها در موضوعات فرآیند صلح خاورمیانه، خلع سلاح، حقوق بشر و مسائل هسته‌ای را ارائه می‌کنند. در پیشنهاد خود اقدامات تشویقی را مؤثرتر از گزینه تحریم ارزیابی می‌کنند؛ همانند آنچه در کشورهای با فروپاشی شوروی به وجود آمده بود.

۴-۲-۲. رویکرد دوم

الف- تغییر از درون (براندازی نرم): در حال حاضر براندازی نرم مهم‌ترین گزینه در خصوص ایران است. در این راستا نباید از مذاکرات مسیر دوم در راستای همکاری برخی نخبگان سیاسی و مخالفان حکومت غافل ماند. این عمل قبلاً در قبال گرجستان و اوکراین

توسط ایالات متحده به اجرا درآمده بود (Fitzpatrick, 2008). برای مثال می‌توان به اختصاص ۵/۱ میلیون دلار توسط کنگره آمریکا برای حمایت از سازمان‌های غیردولتی و مخالف ایران به بهانه‌های مختلف از جمله حمایت از دموکراسی و حقوق بشر اشاره کرد.

ب- رویکرد پذیرش و بازدارندگی: در این رویکرد آمریکا، ایران را در قامت یک قدرت هسته‌ای پذیرد و به دنبال بازدارندگی در قبال آن باشد (Carpenter, 2006: 9). اندیشمندانی همچون جان مرشایمر و کنت والتز معتقدند به جای مقابله با ایران باید درصدد بازدارندگی آن با استفاده از تحریم‌ها بود و به تدریج آن را به‌عنوان یک بازیگر مخمل امنیت جهانی معرفی کنند و در قالب تحریم‌های سازمان ملل و اتحادیه اروپا، ایران را به انزوا کشاند (اقارب‌پرست، ۱۳۸۴: ۹۶).

تحلیلگران مؤسسات تحقیقاتی چهار رویکرد کلی سیاست خارجی آمریکا نسبت به ایران مطرح می‌کنند که متناسب با حزبی که در مسند قدرت قرار دارد می‌توان نظر را پیش‌بینی کرد.

جان بولتون که به شدت علاقه‌مند به فشار و حتی حمله نظامی به ایران است، در سخنرانی‌های خود در مجامع مختلف با صراحت آن را سیاست آمریکا در قبال ایران ابراز می‌کرد؛ اما در دولت اوباما به دلیل حضور افرادی با مواضع نرم‌تر از جمله فیلیپ لورت که در کتاب عزیمت به تهران صراحتاً بحث سازش با ایران را مطرح می‌کند، توانست تا حدودی بر سیاست خارجی اوباما در قبال ایران تأثیر بگذارد.

اتاق‌های فکر در جهت‌دهی به دولتمردان آمریکا و حتی حضور آن‌ها در مذاکرات و کنفرانس‌های علمی که نمایندگان ایرانی نیز حضور دارند و یا اعلام نظر خود درباره ایران نیز در تصریح و تسریع مذاکرات و سیاست کلی آمریکا در قبال ایران قابل مشاهده‌اند.

۴-۳. دیپلماسی نظامی

دستیابی و ارتقاء در همه ابعاد قدرت نظامی از ملزومات مهم هر کشور برای دستیابی به منافع در نظام بین‌الملل است. در همین راستا داشتن توان نظامی قدرتمند همواره یکی از منابع اصلی قدرت به‌شمار می‌رود. هیچ دولتی بدون پشتوانه قدرت نظامی اگر مورد فشارها

و تهدیدها قرار گیرد، نمی‌تواند از دادن امتیازهای زیان‌بار خودداری کند (طباطبایی، ۱۳۹۹: ۲۲۱).

شروع جنگ نظامی مانند گذشته به‌سادگی صورت نمی‌گیرد و کشورها در ابتدا باید برای اقدامات خود اقتناع‌سازی گسترده‌ای در بین افکار داخلی، جهانی و متحدان بین‌المللی داشته باشند. تغییر رویکردها در قرن بیست و یکم باعث تغییر در جنبه سخت‌افزاری قدرت به نرم‌افزاری مرسوم به دیپلماسی نظامی شده است. این شیوه نوین از ارائه قدرت نظامی در راستای رسیدن به مقاصد صلح‌آمیز، افزایش توان بازدارندگی و اجتناب از درگیری مستقیم است.

وظیفه اصلی دیپلماسی نظامی، نمایشی صلح‌آمیز و غیر خشن از قوای نظامی است و امروزه به‌عنوان ابزار سیاست خارجی مورد استفاده قرار می‌گیرد. کمک و فروش تجهیزات نظامی، حضور در رزمایش‌های خارج از کشور، عملیات تاکتیکی و آموزش نظامی حرفه‌ای برخی از این مؤلفه‌ها هستند. مهم‌ترین اهداف نرم، غیر خشن و دیپلماتیکی که ارتش ایالات متحده از به‌کارگیری نیروهای خود در مناطق مختلف جهان به‌ویژه مناطق حساس و مناقشه‌آمیز و همچنین گسترش همکاری و تعاملات با ارتش سایر کشورها دنبال می‌کند شامل: ارسال سیگنال به مخاطبان بین‌المللی، ایجاد هویتی فراملی، جمع‌آوری اطلاعات و بالا بردن ظرفیت نظامی شرکا و متحدان است. از جمله اقدامات امریکا در قبال ایران موارد ذیل را می‌توان برشمرد:

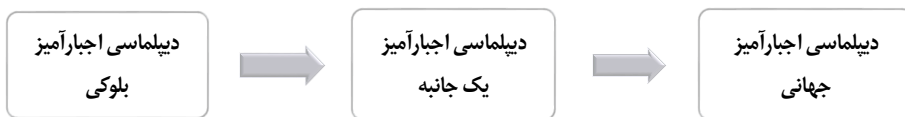
الف- استراتژی افزایش حضور در خاورمیانه و طرح امنیت دسته‌جمعی، در ماه مارس سال ۱۹۹۱ در دوران بوش پدر بر اساس نظریه بازدارندگی دسته‌جمعی در نشست ریاض توسط وزرای امور خارجه کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس مورد توافق قرار گرفت و موجب آن شد که کشورهای عضو در برابر هرگونه حمله کشورهای خارج از پیمان به‌خصوص ایران و عراق به یکدیگر کمک کنند.

ب- گسترش همکاری نظامی در قالب ناتو علیه ایران، به دنبال نگره‌داشتن سایه حمله نظامی به ایران در راستای جلوگیری از پیشرفت برنامه هسته‌ای هستند.

۴-۴. دیپلماسی اجبار

و ادراک کردن یک حکومت به تسلیم شدن از طریق تهدید بسیار وسوسه‌انگیز است. الکساندر جرج جذابیت ماهیت دیپلماسی اجبار را مطرح کرده بود، با هزینه کمتر می‌توانست به اهداف معقول در یک منازعه دست یابد و در صورت ضرورت خونریزی، میزان تلفات بسیار کم خواهد بود (اسدی، ۱۳۸۷: ۱۲۵). دیپلماسی اجبار راهبردی دیپلماتیک با درجه‌ای از اجبار محدود است. هویج‌ها وجود دارند اما چماق‌ها بیشتر می‌باشند. چماق‌ها شامل تحریم‌های اقتصادی، استفاده از نیروی نظامی و... می‌توانند باشند.

دیپلماسی اجبار، قانع‌سازی رقیب را جایگزین استفاده مستقیم از قدرت نظامی می‌کند. باید زور کافی و از طرفی مناسب باشد تا نشان‌دهنده عزم و معتبرکننده تهدید باشد و در صورت ضرورت از زور بیشتر استفاده خواهد شد (Jentelson, 2006). سیاست اجبارآمیز وفادارسازی یک کشور به اقداماتی همچون تسلیم شدن و یا عقب‌نشینی متناسب با خواسته کشور اجبارکننده است.



برای مثال در قرن ۱۹ انگلیس برای جداسازی سرزمین‌های شرق از ایران، قایق‌های توپ‌دار خود را در مرز آبی ایران مستقر کرد و بدون جنگ به هدف خود رسید. در عصر حاضر این سیاست به شکل ناوهای هواپیمابر ادامه پیدا کرده است. به‌طور کلی می‌توان گستره استفاده ایالات متحده از ابزار دیپلماسی اجبار را به‌صورت ذیل بیان کرد:

الف- دیپلماسی اجبارآمیز بلوکی: در فضای دوقطبی جنگ سرد دو قطب ایالات متحده و شوروی سابق علیه کشور ثالث به اجرا درمی‌آمد. جنگ تحمیلی و همسو بودن دو قطب علیه ایران در این مدل دیپلماسی جای داد.

ب- دیپلماسی اجبارآمیز یک‌جانبه: ایالات متحده یک کشور را عامل تهدید می‌داند و به دنبال فشار بر آن می‌رود؛ درعین حال درون بلوک غرب این عمل با مقبولیت همراه نمی‌شود،

در اینجا امریکا به صورت یک جانبه از ابزار دیپلماسی اجبارآمیز استفاده می‌کند؛ مانند تحریم‌های یک جانبه، درگیری نظامی محدود در خلیج فارس و...

پ- دیپلماسی اجبارآمیز جهانی: زمانی که امریکا بلوک غرب را به تهدیدزا بودن کشوری خاص اقناع می‌کند و با جهانی جلوه دادن آن تهدید، دیپلماسی اجبارآمیز را با پشتوانه رأی شورای امنیت و همراهی دیگر کشورها (حتی رقبا) علیه کشور تهدیدزا به کار می‌گیرد (امیدی، ۱۳۹۶: ۱۱۸).

یکی از شعارهای انتخاباتی ترامپ خروج از برجام و دستیابی به توافقی بهتر! و نزدیکی بیشتر با رژیم‌های صهیونیستی و سعودی بود. در راستای این شعار نه تنها از برجام خارج شد، بلکه تحریم‌ها را گسترده‌تر کرد و گزینه فشار حداکثری را فعال نمود.

پمپئو در سخنرانی خود در بنیاد هریتیج (می ۲۰۱۸) چارچوب رویکرد جدید در قبال ایران را مطرح می‌کند. وی می‌گوید: «دلیل امریکا برای خروج از برجام، نقص توافق بود. برجام موجب حضور قدرتمندتر ایران در کشورهای منطقه از جمله عراق، سوریه، یمن و لبنان شد و فقط زمان دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای را به تعویق انداخت. وی تهدید را کامل کرد و در ادامه گفت: اگر ایران مایل است که بزرگ‌ترین تحریم‌های تاریخ علیه آن اعمال نشود باید مسیرش را تغییر دهد» (pompeo, 2018).

اجرای فشار حداکثری موجب شد اقدامات گسترده‌ای در حوزه‌های نظامی، مالی، اقتصادی، انرژی، فناوری و دریا و سایبری به صورت هماهنگ علیه ایران اجرا شود. در دوره ترامپ حمایت از مخالفان جمهوری اسلامی، آشکارتر از گذشته دنبال شد. تحریم‌ها در موضوع انرژی با تلاش برای به صفر رساندن صادرات نفت پیامدهای اولیه و به مراتب سنگین‌تری برای ایران داشت و زمینه کاهش چشمگیر درآمدهای ارزی را فراهم کرد.

ایالات متحده با این کار به دنبال وادار ساختن ایران به بازنگری در برجام بود؛ گرچه تاکنون اعمال همه ابزار قدرت برای اجبار، منجر به دستیابی ایالات متحده به اهداف مدنظر نشده است.

۴-۵. دیپلماسی اقتصادی

در جنگ هیبریدی امریکا علیه ایران، فشارهای اقتصادی یکی از ابزارهای کلیدی است. امریکا با اعمال تحریم‌های گسترده، کاهش توانمندی‌های اقتصادی ایران و تضعیف ثبات داخلی، آن را دنبال می‌کند. این تحریم‌ها بر چندین حوزه تمرکز دارد:

الف- تحریم‌های نفتی: صادرات نفت ایران منبع اصلی درآمدهای ارزی کشور به شمار می‌رود که با محدود کردن صادرات نفت، امریکا تلاش می‌کند فشار اقتصادی شدیدی به اقتصاد ایران وارد آورد و منابع مالی لازم برای برنامه‌های هسته‌ای و نظامی ایران را کاهش دهد.

ب- تحریم‌های مالی و بانکی: امریکا به وسیله نظام مالی بین‌المللی، دسترسی بانک‌های ایرانی به سیستم مالی جهانی را محدود کرده است. این تحریم‌ها مانع از انجام تراکنش‌های مالی بین‌المللی و جلب سرمایه‌گذاری خارجی در ایران شده است (eisenstadt, 2020). علاوه بر این، امریکا بانک‌هایی را که با ایران تعامل داشته باشند، جریمه می‌کند که به کاهش فعالیت‌های اقتصادی و تجاری ایران کمک می‌کند.

پ- تحریم‌های اقتصادی عمومی: شامل محدودیت‌هایی بر کالاهای اساسی و تکنولوژی‌های پیشرفته است که می‌تواند به کاهش کیفیت زندگی مردم منجر شود. این تحریم‌ها به ویژه بر بخش‌هایی مانند پزشکی، فناوری و کالاهای مصرفی تأثیر می‌گذارند (Sullivan&Moshirzadeh, 2022).

ت- فشار بر شرکت‌ها و کشورها: امریکا همچنین شرکت‌ها و کشورهایی را که با ایران تجارت می‌کنند، تحت فشار قرار می‌دهد. این فشارها به شکل تهدید به تحریم یا اقدامات قانونی دیگر نمود پیدا می‌کند که باعث می‌شود بسیاری از شرکت‌های بین‌المللی از تعامل با ایران خودداری کنند و در نتیجه، اقتصاد ایران بیشتر آسیب ببیند.

در پاسخ به این فشارها، ایران تلاش کرده است تا از دیپلماسی اقتصادی برای کاهش تأثیرات تحریم‌ها بهره‌برداری کند. این تلاش‌ها شامل توسعه روابط با کشورهای غیر غربی، تقویت ائتلاف‌های اقتصادی، جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی و یافتن بازارهای جدید برای کالاهای خود است.

۴-۶. دیپلماسی رسانه‌ای

دیپلماسی رسانه‌ای، از مهم‌ترین ابزارهای تعامل بین کشورها تلقی می‌شود. در عصر کنونی موقعیت یک کشور در جامعه جهانی با دیپلماسی رسانه‌ای آن گره خورده است. امروزه رهبران از ارتباطات جهانی به‌عنوان ابزاری مهم برای پیشبرد مذاکرات و نیز بسیج حمایت عمومی از توافقات استفاده می‌کنند. دیپلماسی رسانه‌ای کاربرد رسانه‌ها در راستای ترقی و روان‌سازی سیاست خارجی است (Gilboa, 2002). دیپلماسی رسانه‌ای بدون برانگیخته شدن احساسات سایر کشورها موجب افزایش منافع ملی و بهره‌برداری از فرصت‌ها می‌شود (خرازی، آذر، ۱۳۸۸: ۲۵). بهره‌برداری از رسانه‌ها در راستای اهداف تهاجمی و تدافعی در زمان جنگ یا صلح ممکن است مستلزم کلی‌گویی، سانسور، اغراق، دروغ و عملیات سیاه باشد. در ادامه به تعدادی از رسانه‌ها که در دیپلماسی رسانه‌ای امریکا در قبال ایران فعال هستند، اشاره می‌شود.

الف- رادیوهای بین‌المللی: بررسی‌های آماری نشان می‌دهد که تا سال ۲۰۲۰ بیش از ۵۰ شبکه رادیویی از جمله رادیو فردا، رادیو امریکا، رادیو صدای ایران و... علیه جمهوری اسلامی ایران، پخش برنامه دارند که اکثر اخبار آن‌ها برای جهت‌دهی به افکار عمومی در ایران است (رنجبران، ۱۳۸۸: ۸۷). رادیو فردا یکی از ابزارهای رسانه‌ای سازمان سیا علیه جمهوری اسلامی ایران است. ارتباط میان سازمان اطلاعاتی سیا و ابزار رسانه آن یعنی رادیو فردا، به خوبی بیانگر اهداف این رسانه در خصوص جمهوری اسلامی ایران است (گلشن‌پژوه، ۱۳۹۰: ۱۷۷-۱۷۵). این رادیوها به بررسی مسائل حکومتی ایران در دو بعد داخلی و بین‌المللی می‌پردازند و در برنامه‌های خود انگاره‌سازی منفی از ایران را تولید می‌کنند. در بعد داخلی بر آزادی‌های مدنی به‌خصوص وقایع اجتماعی اخیر تأکید دارند و در بعد بین‌المللی نیز اخبار مربوط به تحریم‌های امریکا و پیامدهای اقتصادی آن برای ایران را انعکاس می‌دهند.

ب- تلویزیون‌های ماهواره‌ای: راه‌اندازی شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای از روش‌های مهم دیپلماسی رسانه‌ای امریکا محسوب می‌شوند. هم‌اکنون بیش از ۱۵۰ کانال ماهواره‌ای

فارسی زبان برنامه پخش می‌کنند. این شبکه‌ها توسط گروه‌های سلطنت طلب و سازمان‌های اطلاعاتی پشتیبانی می‌شوند. برای مثال کنگره امریکا دو میلیون دلار در راستای جنگ رسانه‌ای علیه ایران بودجه اختصاص داده است (حاتمی‌راد، ۱۳۸۶: ۲۰۴).

در سال‌های اخیر بسیاری از مطبوعات خارجی اقدام به اعزام خبرنگاران به ایران نموده‌اند و این مسئله، در مورد خبرگزاری‌هایی همچون فرانس پرس، رویترز، بی‌بی‌سی، آسوشیتدپرس و سی‌ان‌ان مصداق دارد.

پ- خبرگزاری‌ها و مطبوعات: خط و مشی کلان رسانه‌های غربی این است که فقط اخبار منفی از ایران منتشر گردد. اکثر گزارش‌های این مطبوعات از ایران، مربوط به بحران‌های سیاسی، اجتماعی، تضاد حاکمیت با مردم، تلاش برای دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای و نقض آزادی‌های سیاسی و مدنی در ایران است (قنبری‌سلحشور، ۱۳۹۷: ۷۹). خبرنگاران مستقر در ایران حتی اگر بخواهند اخبار مثبتی منتشر کنند با سانسور خبرگزاری روبرو می‌شوند. آنان به تجربه دریافته‌اند که برای ادامه همکاری با خبرگزاری‌ها باید چه نوع اخباری را پوشش دهند و کدام بخش را برجسته نمایند.

ت- سایت‌های اینترنتی فارسی زبان: سایت‌های اینترنتی بستری مناسب در راستای جنگ رسانه‌ای علیه ایران محسوب می‌شوند. گروه‌های معاند جمهوری اسلامی ایران و حتی دولت‌های غربی و منطقه‌ای یا سایت‌های خبری ایجاد کرده‌اند و یا بر روی آن‌ها سرمایه‌گذاری کرده‌اند که در راستای جنگ رسانه‌ای علیه ایران مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرند (ضیائی‌پرور، ۱۳۸۷: ۲۷۵). امریکا در راستای تأثیرگذاری در حوزه داخلی کشورهای هدف برای اینکه نگرش به خود را در میان افکار عمومی، به خصوص نخبگان تغییر دهد، از دیپلماسی رسانه‌ای و پیگیری سیاست اقناع مخاطب، بهره‌فراوان می‌برد.

۴-۷. سایر دیپلماسی

دیپلماسی مجازی یک دیپلماسی واقعی است؛ زیرا تعاملات میان مقامات رسمی کشورها و حکومت‌های مختلف تا حدودی در این فضا انجام می‌گیرد. در حقیقت، این نوع دیپلماسی بر نقش فناوری‌های نوین ارتباطی، اطلاعاتی و فضای مجازی در قلمرو جهانی تأکید دارد.

منطق دیپلماسی سایبری منطقی سه وجهی است: ابتدا اعتمادسازی و حرکت بر روی موج افکار عمومی جهانی، دوم استناد به مردم و تسهیل ارتباط با افکار عمومی و نخبگان جهانی و سوم ایجاد تسهیلاتی که به کمک آن‌ها دستیابی به منافع ملی میسر می‌شود (طوفان، ۱۳۹۵: ۱۲۶).

امریکا از ابزارهای ذیل در قبال ایران بهره می‌برد:

الف- توییتر (ایکس): به‌عنوان برنامه و شبکه اجتماعی به مخاطبان خود این امکان را می‌دهد تا پیام‌ها را تحت عنوان توئیت بفرستند و بخوانند. ترامپ با استفاده از توییتر آن‌هم به زبان فارسی سعی کرد که حکومت ایران و حتی مردم را تحت تأثیر قرار دهد.

ترامپ در ۲۲ دی ۱۳۹۸، پس از سرنگونی هواپیمای اوکراینی، در پیامی گفت: «به مردم شجاع و رنج‌کشیده ایران؛ من از ابتدای دوره ریاست‌جمهوریم با شما ایستاده‌ام و دولت من همچنان با شما خواهد ایستاد. ما اعتراضات شما را از نزدیک دنبال می‌کنیم. شجاعت شما الهام‌بخش ماست» (ترامپ، ۲۰۲۰/۰۲/۱۲).

همچنین درحالی‌که جولیان، وکیل شخصی‌اش و همچنین جان بولتون، مشاور وی در جمع گروهک منافقین در سال ۱۳۹۷ از رؤیای تغییر نظام ایران صحبت کردند و مدعی شدند که جمهوری اسلامی ایران چهل‌سالگی را نمی‌بیند، ترامپ در چهلمین سالگرد انقلاب اسلامی با توییتهایی که به دلیل عدم رسیدن به اهدافشان بود نوشت: «چهل سال فساد، چهل سال سرکوب، چهل سال ترور، رژیم ایران فقط موجب چهل سال شکست شده است. مردم ایران مدت‌هاست در رنجند و شایسته آینده روشن‌تری هستند» (ترامپ، ۲۰۱۹/۰۲/۱۱).

ب- یوتیوب: وزارت امور خارجه امریکا برای اشتراک‌گذاری فایل‌های ویدیویی خود به زبان فارسی، یک حساب کاربری اختصاصی در سایت یوتیوب راه‌اندازی کرد (موحدیان، ۱۳۹۵: ۲۲۴). کلیپ‌هایی با موضوعاتی همچون تخریب مسئولان و سیاه‌نمایی از وضعیت اجتماعی و اقتصادی مردم در ایران از جمله مهم‌ترین مطالبی است که با جستجوی کلمه ایران در این اپلیکیشن دیده می‌شود.

پ- اینستاگرام: صفحه وزارت امور خارجه ایالات متحده به زبان فارسی در این شبکه که از ژانویه سال ۲۰۱۵ راه‌اندازی شده، رفته‌رفته با محبوبیت این اپلیکیشن در ایران فعالیت خود را بیشتر کرد. فضای مجازی بستری برای انتشار مطالب بدون سانسور شده است. مردم با کمک این فضا با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند و در برخی موارد سازمان‌دهی اعتراضات عمومی را بر عهده می‌گیرد. کاری که در بستر اینستاگرام در وقایع، اعتراضات و اغتشاشات سال ۱۴۰۱ انجام شد.

ایالات متحده آمریکا در زمینه طرح کشورداری قرن ۲۱ که توسط هیلاری کلinton مطرح شد، تلاش کرد از سرویس‌های مجازی متفاوتی در جهت رسیدن به اهداف خود و تأثیرگذاری بر اذهان عمومی استفاده کند. در مطلبی در وبلاگ وزارت امور خارجه آمریکا چنین آمده است: ما با استفاده از سایت‌هایی مانند توییتر، اینستاگرام و... می‌توانیم دامنه دسترسی مان را بسیار گسترده کنیم، روایت‌های مدنظر آمریکا را به‌طور مستقیم و از طریق فرد دیگری ارائه کنیم. نمونه این مسئله ایران است. ما برای مقابله با تبلیغات حکومت علیه خودمان و برای ارتباط مستقیم با مردم ایران تلاش می‌کنیم؛ بنابراین یک صفحه توییتر فارسی راه‌اندازی نمودیم و برای دور زدن ایران تلاش کردیم (موحدیان، ۱۳۹۵: ۱۴۳).

هوش مصنوعی به آمریکا در زمینه دیپلماسی سایبری به‌عنوان یک ابزار قدرتمند برای تحلیل، پیش‌بینی و اجرای استراتژی‌های سایبری ضد ایران عمل می‌کند (Roper, 2021). در این زمینه، کاربردهایی همچون تحلیل داده‌ها، افزایش دقت حملات سایبری، پیش‌بینی و شبیه‌سازی تهدیدات دارد.

آمریکا در فضای سایبر سعی می‌کند دائماً این موضوع را مطرح کند که ایران در سیاست خارجی راه اشتباهی می‌رود و به‌جای تعامل با ایالات متحده، با کشورهایمانند روسیه و چین ارتباط خوبی برقرار کرده و همچنین هزینه‌های زیادی برای حمایت از آرمان‌های فلسطین و مخالفت با رژیم صهیونیستی و تحقق اهداف خود علیه آمریکا پرداخته است.

در این مقطع معترضان به سیاست خارجه ایران در قبال روسیه، چین و حتی حزب‌الله لبنان و آرمان قدس واکنش نشان داده‌اند. این شعارها از سال ۱۳۸۸ آغاز شد و در

ناآرامی‌های آبان ۱۳۹۶، اعتراضات سال ۱۳۹۸ و اغتشاشات سال ۱۴۰۱ به صورت واضح دیده می‌شود. نمونه واضح دیگر آن اعتراض در فضای مجازی علیه قرارداد ۲۵ ساله ایران و چین بود که موجب شد تا بسیاری از سیاستمداران، اساتید دانشگاه و افراد مشهور ایرانی با این قرارداد مخالفت کنند. بررسی روند افزایش مخالفت با سیاست خارجی کشور در طول زمان، نشان می‌دهد که با گسترش یافتن فضای مجازی و هم‌زمان با بهره‌گیری ایالات متحده از دیپلماسی سایبری در قبال ایران، نظر بخشی از مردم در خصوص بسیاری از مسائل سیاسی، فرهنگی و امنیتی در سطح داخلی، منطقه و جهان تغییر پیدا کرده است.

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

امریکا، تقریباً از همه ابزارهای ممکن برای دستیابی به هدف خود، یعنی سرنگونی جمهوری اسلامی ایران استفاده کرده است. در راهبرد کلان امریکا در چند دهه اخیر، ناتوان‌سازی، فقیرسازی و فرسایش قدرت اقتصادی کشورهای مخالف از اولویت مستمر برخوردار است تا به صورت هم‌زمان با فشار و ضربات اطلاعاتی و امنیتی و محدودیت‌سازی در ارتقای توانمندی‌های نظامی که غالباً با عنوان محاصره به اجرا در می‌آید، تلاش برای حفظ برتری قدرت ایالات متحده را محقق نماید.

دیپلماسی در جنگ هیبریدی در مورد مؤلفه‌های مختلف جنگ و اجماع بین بازیگران بر سر شروع و یا پایان جنگ و همچنین مشروعیت بخشی به اقدام علیه کشور مورد نظر نقش اساسی ایفا می‌کند. دیپلماسی اصولاً ابزاری جهت شرطی کردن کشور هدف است و مانند جنگ و ادامه آن است. این امر، بازیگر هدف را در رسیدن به اهداف بازیگران متخاصم تحت فشار حداکثری قرار می‌دهد.

از زمان پیروزی انقلاب اسلامی ایران، امریکا در تلاش است تا جامعه جهانی را علیه جمهوری اسلامی متحد کند. از فراخوانی سفرها به کشورهای مبدأ، قطعنامه‌های فلج‌کننده شورای امنیت، عدم اجازه حضور ایران در مجامع دیپلماتیک تا فشارهای مختلفی که در راستای اجرای تهدید، تحریم و فشار علیه ایران استفاده شده است. یکی از موارد فشارهای امریکا پیشرفت‌های هسته‌ای ایران بود که منجر به امضای برجام شد، قراردادی که باعث

شرطی شدن جامعه و پیشرفت جنگ ترکیبی گردید. امریکا با استفاده از دیپلماسی عمومی به دنبال تقلیل جایگاه حاکمیت و تضعیف آن است تا بتواند در راستای هدف نهایی خود یعنی تغییر حکومت با مردم و جامعه ایران رابطه برقرار کند.

از سوی دیگر وزارت دفاع به‌عنوان یکی از بازوهای مهم ایالات متحده در پیشبرد اهداف و منافع خارجی است؛ تا در کنار به‌کارگیری وجه رایج خشونت‌آمیز و توأم با فشار قدرت نظامی، هم‌زمان از مؤلفه‌های نرم آن نیز بهره‌گیرد و این دورا به شکل هوشمندانه برای دستیابی به مقاصد بین‌المللی خود به کار بندد. تأسیس پایگاه‌های نظامی متعدد در منطقه، همکاری نظامی با کشورهای عربی و همچنین تحریم جمهوری اسلامی برای جلوگیری از دستیابی به تسلیحات پیشرفته، یکی از ابزارهای فشار بر ایران برای تضعیف آن و برتری متحدان منطقه‌ای امریکا بوده است.

استفاده از دیپلماسی اجبارآمیز وفادارسازی یک کشور به اقدامات خاصی مانند عقب‌نشینی از مواضع خود، تغییر منش یا تسلیم شدن در برابر خواسته کشور اجبارکننده نیاز است. قدرت فائق با استفاده از قدرت و یا تهدید به‌کارگیری آن و با تکیه بر تحریم‌های مالی و اقتصادی بر روی محاسبات کشور ضعیف‌تر تأثیر می‌گذارد تا خواسته‌هایش اجرا شود. ایالات متحده با اعمال فشار حداکثری علیه ایران به دنبال وادار ساختن این کشور به بازنگری در برجام و یا اجرای یک توافق گسترده‌تر بوده است.

شاخه فعال امریکا در دیپلماسی مسیر دوم، اتاق فکرها و مؤسسات پژوهشی مختلف هستند که همواره موضوعات مربوط به ایران را موردبررسی قرار می‌دهند. اتاق‌های فکر در جهت‌دهی به دولتمردان امریکا و حتی حضور آن‌ها در کنفرانس‌های علمی که نمایندگان ایرانی نیز حضور دارند و یا اعلام نظر خود درباره ایران نیز در تصریح و تسریع مذاکرات و سیاست کلی امریکا در قبال ایران قابل مشاهده‌اند.

باید دانست که رسانه‌ها مؤثرترین ابزار برای نفوذ در افکار عمومی و ذهن مردم هستند، سیاسیون ایالات متحده با انتشار اخبار و تصمیمات خود در پی آن هستند تا پیام‌های موردنظر درباره سیاست خارجی را به مخاطبان داخلی القا کنند و هم‌زمان با آن، بر تصورات

مخاطبان خارجی درباره مقاصد، مواضع و توانایی‌های ایالات متحده تأثیر بگذارند. همچنین شواهد نشان می‌دهد که امریکا از حوزه سایبر فقط در جهت تبلیغات و تغییر نگرش افراد استفاده نکرده؛ بلکه جنبه‌های پنهان آن مانند جاسوسی اینترنتی، حملات سایبری و تروریسم سایبری نیز در دستور کار این کشور قرار داشته است. در مجموع می‌توان گفت که امریکا در حوزه سایبر دیپلماسی در قبال ایران فعالانه عمل کرده است. امریکا توانسته از دیپلماسی نوین به‌عنوان کاتالیزور در جنگ ترکیبی خود علیه ایران استفاده کند تا علاوه بر فشارها، جو روانی جامعه ایران و حتی مردم جهان را با خود در مواجهه با ایران همراه کند. در مقابل لازم است که ایران پیش از ضربه زدن امریکا، دفاع ترکیبی را در مقابل آن فعال کند.

دفاع ترکیبی باید دارای ماهیتی متناسب با تهاجم ترکیبی باشد که فهم آن مستلزم تشکیل اتاق عملیاتی است که بتوان همه جوانب آن را رصد و آمادگی لازم را ایجاد کرد. حضور و مشارکت فعالانه جمهوری اسلامی ایران در سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای و ائتلاف اقتصادی و یا نظامی به‌منظور جلب همراهی و همکاری تعداد بیشتری از کشورها لازمه اولیه این دفاع است.

دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران باید با توجه به تهدیدها و چالش‌های به وجود آمده علیه کشور و همچنین ارتقاء ایران به قدرت اول منطقه باشد. برای تحقق این امر باید از همکاری با کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در زمینه‌های فنی و مطالعاتی، تبادل تجهیزات، سرمایه‌گذاری‌های مشترک بهره‌بردار؛ از جمله می‌توان به مواردی از قبیل عضویت و پایبندی در معاهده‌ها و قراردادهای بین‌المللی، توجه به پیمان‌نامه‌های دفاعی-امنیتی، گفت‌وگوهای راهبردی، تبادل تجهیزات و تسلیحات، انجام رزمایش‌های نظامی (مبتنی بر بازدارندگی) توجه نمود که همگی آن‌ها در ساختار و روند تصمیم‌گیری در حوزه دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران، مؤثر و دارای نقش هستند.

منابع

- اسدی، بیژن (۱۳۸۷). سیاست خارجی دولت اصلاحات. موفقیت‌ها و شکست‌ها. تهران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- آشنا، حسام‌الدین، جعفری هفت‌خانی، نادر (۱۳۸۶). دیپلماسی عمومی و سیاست خارجی. پیوندها و اهداف. دانش سیاسی. ۳، ۵، ۱۷۹-۲۰۶.
- امیدی، علی، و همکاران (۱۳۹۶). امریکا و دیپلماسی اجبار علیه برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران. ۱۶، ۵۷، ۱۱۱-۱۳۴.
- آهنگری، علی (۱۳۹۰). ابزارهای عملیات روانی امریکا علیه جمهوری اسلامی ایران. تهران، پویا.
- حاتمی‌راد، منصور (۱۳۸۶). جنگ‌رسانه‌ای. پیام. ۸۵، ۲۰۰-۲۱۱.
- خرازی محمدوندی آذر، زهرا (۱۳۸۸). تأثیر دیپلماسی فرهنگی بر منافع ملی کشورها. مدیریت فرهنگی. ۳، ۶، ۱۰۷-۱۲۲.
- رنجبران، داود (۱۳۸۸). جنگ نرم. تهران، ساحل اندیشه.
- رنجکش، محمدجواد (۱۴۰۰). چیستی و چگونگی ویژگی‌های دیپلماسی عمومی امریکا در قبال ایران. مطالعات راهبردی فرهنگ. ۱، ۱، ۱۳۱-۱۵۲.
- سلیمانی پورلک، فاطمه (۱۳۸۹). قدرت نرم در استراتژی خاورمیانه‌ای امریکا. تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- شیرودی، محمد (۱۳۸۴). جنگ‌های ترکیبی. تهران، نی.
- طباطبایی، سید محمد، و آسمانی، حدیث (۱۳۹۹). دیپلماسی نظامی؛ راهبرد نوین دولت‌ها در پیگیری اهداف سیاست خارجی. دولت‌پژوهی. ۶، ۲۳، ۲۱۹-۲۵۶.
- طوفان، مسعود (۱۳۹۵). جایگاه و ظرفیت سفارت‌خانه‌های مجازی در دیپلماسی نوین. رسانه. ۲، ۱۲۴-۱۳۸.
- عبدالله‌خانی، علی، و کاردان، عباس (۱۳۹۰). رویکردها و طرح‌های امریکایی درباره ایران. تهران، ابرار معاصر تهران.
- کریمی فرد، حسین، و لب‌خنده، ابراهیم (۱۳۹۵). کارکرد مؤسسات مطالعاتی در سیاست خارجی امریکا در قبال ایران. پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام. ۶، ۱، ۵۵-۸۱.
- گلشن‌پژوه، محمدرضا (۱۳۹۰). جنگ نرم. تهران، ابرار معاصر تهران.

- موحدیان، احسان (۱۳۹۵). مطالعه تأثیر سایبر دیپلماسی امریکا بر دیدگاه کاربران ایرانی فضای مجازی. رساله دکتری. تهران، دانشگاه علامه طباطبایی.
- موسویان، سید حسین (۱۳۹۴). ایران و امریکا، گذشته شکست‌خورده و مسیر آشتی. تهران، تیسرا.
- نیفو، ریچارد (۱۳۹۷). هنر تحریم‌ها؛ نگاهی از درون میدان. تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- یزدان‌فام، محمود (۱۳۹۳). دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران. تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- Arquilla, J & Ronfeldt, D. (2009). The advent of netwar (revisited). In *Networks and netwars: The future of terror, crime, and militancy* (pp1-25).
- Carpenter, T. G. (2006). *Iran's Nuclear Program, America's Policy Options*. Retrieved from <https://object.cato.org/sites/cato.org/files/pubs/pdf/pa578>.
- Eisenstadt, M. (2020). Iran's economic diplomacy and its implications. *Middle East Policy*, 27(1), 31-45.
- Fraser, Ronald J. (2002). "Complementarity between Unofficial Tracks: the Potential of Transfer from Interactive Conflict Resolution" *International Peace and Conflict Resolution Program School of International Service. American University, Washington, DC 20016-8071*. Paper Presented at the Annual Conference of the International Studies Association New Orleans, March.
- Fitzpatrick, M. (2008). *The Iranian Nuclear Crisis: Avoiding Worst-Case Outcomes*. Retrieved from <http://www.iiss.org/en/publications/adelphi/by%20year/2008-e03b/the-iranian-nuclear-crisis-avoiding-worst-case-outcomes-cb9e>.
- Gilboa, E. (2002). *Global communication and foreign policy*. *Journal of Communication*. Retrieved from <http://dw.com/p/11uvN>.
- Pompeo, M. (2018). *After the Deal: A New Iran Strategy*. The Heritage Foundation. Retrieved from <https://www.heritage.org/defense/event/after-the-deal-new-iran-strategy>.
- Roper, C. (2021). Artificial intelligence and cyber warfare: Strategic and tactical implications. *Journal of Cyber Security Technology*, 5(1), 23-45.